موضوع: نقد مسیر پیامبری، نقد و بررسی اشکالات

چگونگی محفوظ ماندن کامل قرآن

سخن در بررسی این اشکال بود که با توجه به عصر رسالت و شرایط و موقعیت آن دوران، نمی توان اطمینان حاصل کرد که همه قرآن به صورت کامل محفوظ مانده است، مانند اینکه ابزار آن دوران ابتدایی بوده است و نوعا افراد سواد نداشتند و یا مساله عدم اعراب و نقطه گذاری در آن دوران وجود داشته است.

مرحله اول: نگارش و تدوین قرآن در زمان پیامبر (ص)

ابتدا مصون ماندن قرآن در دوران خود رسالت را بررسی می کنیم. اینکه ابزار آن دوران ابتدایی بوده است سخن پذیرفته شده ای است، اما ساده بودن این ابزار ملازمه ای با عدم مصون بودن قرآن ندارد، بلکه کار را مقداری مشکل می کند. در مورد اینکه افراد کمی در آن دوران باسواد بودند، اولا: آماری در این باره نیست، ثانیا: تعداد باسوادها آن مقدار کم نبوده که مانع نوشتن شود، ثالثا: افرادی زیادی قرآن را حفظ می کردند و حفظ و قرائت قرآن در میان مسلمانان به جهت تشویق پیامبر (ص) فراوان بوده است.

علاوه بر اینکه بر مبنای مستشکل که پیامبر را فرستاده الهی نمی داند (و عصمت را کنار بگذاریم) باز مساله محفوظ ماندن قرآن قابل اثبات است، زیرا پیامبر بودن آن حضرت امر مسلمی بوده است. طبق مبنای وی شرایط برای اعلام پیامبری برای ایشان مهیا بوده است. حال اگر چنین فرد دانا و حکیمی طرحی برای اصلاح جامعه داشته است مسلم است که حداکثر تلاش خود را برای فراگیری آن طرح و اینکه نسل های بعدی هم از آن استفاده کنند دارد. به همین خاطر او تدابیری در این باره می اندیشند و اگر چنین نباشد نمی توان او را فرد مصلح دغدغه مندی دانست. بنابراین ایشان تمام روش های عقلایی را برای حفظ این دستاورد مبذول داشته است و همین امر اطمینان به ما می دهد که قرآن محفوظ مانده است. واقعیت های تاریخی هم بیان می کند حتی در میان صحابه عده ای بودند که علاوه بر ثبت و حفظ قرآن، آنها را به پیامبر (ص) عرضه می کردند. تاریخ نشان از چنین اهتمامی در این باره نشان می دهد و لذا بر اساس روش عقلایی، اطمینان از محفوظ ماندن قرآن به وجود می آید. اکنون اگر عصمت پیامبر (ص) را هم در نظر بگیریم و ضمیمه کنیم که ایشان می داند و معتقد است که آخرین پیامبر است و بعد از ایشان پیامبری دیگر نخواهد آمد و کتاب او تا آخر باید باقی باشد، اطمینان ما به یقین بالمعنی الاخص می رسد.

نکته دیگر اینکه یکی از نویسندگان قرآن که مهمترین نویسنده آن بوده و واقعیت های تاریخی و روایی شهادت به آن می دهد، امیرالمومنین (ع) بودند. ایشان نیز از درجه عصمت برخوردار بودند و تمام بیانات پیامبر (ص) را ثبت و ضبط می نمودند. با مجموعه این مطالب اطمینان بالایی بدست می آید که قرآن در دوران رسالت کاملا محفوظ مانده است.

به عنوان نمونه می توان به امام راحل که نه پیامبر بودند و نه معصوم در این باره اشاره کرد. در عصر ما امام خمینی (ره) سالها تصمیم داشتند که نظام شاهنشاهی را از میان بردارند و لذا مبارزه و سختی زیادی کشیدند و بعد از سالها به نتیجه رسیدند. بعد از آن ایشان دغدغه فراوانی برای حفظ و بقاء این نظام داشتند. ایشان به همین منظور جمهوری اسلامی را به رای گذاشتند و بعد از آن قانون اساسی را نیز به رای مردم گذاشتند. این مسائل و مسائل دیگر نشان می دهد که ایشان برای بعد از خودشان هم تدبیر داشتند.

یک قاعده : هر گاه یک قاعده عقلایی در جایی ثابت شود، آن قاعده و لوازم آن مورد قبول است و تا وقتی خلاف آن ثابت نشود حجت است.

مرحله دوم: حفظ قرآن بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص)

در مورد این دوران کلمه جمع قرآن یا تدوین آن مطرح شده است. در این باره دو دیدگاه در میان محققان مذاهب اسلامی وجود دارد: دیدگاه مشهور این است که قرآن در زمان پیامبر (ص) در مصحف واحدی جمع نشده است به گونه ای که سوره ها به صورت ترتیبی که اکنون دارد در آمده باشد و این کار بعد از پیامبر (ص) انجام شده است.

در مورد اینکه چه کسی این جمع آوری و تدوین را انجام داده است چنین گفته اند: اولین کسی که اقدام به این کار کرد امیرالمومنین (ع) است که طبق دستور پیامبر (ص) به این کار همت گماشت. دومین کسی که اقدام کرد به دستور خلیفه اول و پیشنهاد عمر، گروهی از کاتبان به سرپرستی زید بن ثابت بوده است. در این تدوین گفتند اگر کسی آیه ای آورد و در نوشته ها نبود، آن را نپذیرید مگر اینکه دو نفر شهادت دهد، تا اینکه آیه ای را خزیمه آورد و شاهدی نداشت، اما گفتند چون شهادت او توسط پیامبر (ص) به عنوان دو شاهد شمرده می شد، لذا سخن او پذیرفته شده است. این مطالب بیشتر در منابع اهل سنت آمده است.

از علمای امامیه برخی این دیدگاه را قبول کرده اند. آیت الله معرفت در این باره می فرماید:

« و أمّا جمع السور و ترتیبها بصورة مصحف مؤلّف بین دفّتین، فهذا قد حصل بعد وفاة النبی (صلی اللّه علیه و آله): انقضی العهد النبویّ و القرآن منثور علی العسب و اللخاف و الرقاع و قطع الأدیم و عظام الأکتاف و الأضلاع و بعض الحریر و القراطیس و فی صدور الرجال. کانت السور مکتملة علی عهده (صلی اللّه علیه و آله و سلم) مرتبة آیاتها و أسماؤها، غیر أنّ جمعها بین دفّتین لم یکن حصل بعد. نظرا لترقب نزول قرآن علی عهده (صلی اللّه علیه و آله) فما دام لم ینقطع الوحی لم یصحّ تألیف السور مصحفا إلّا بعد الاکتمال و انقطاع الوحی، الأمر الذی لم یکن یتحقّق إلّا بانقضاء عهد النبوّة و اکتمال الوحی.

قال جلال الدین السیوطی: «کان القرآن کتب کلّه فی عهد رسول اللّه (صلی اللّه علیه و آله) لکن غیر مجموع فی موضع واحد و لا مرتّب السور».

و قال الإمام الصادق (علیه السلام): قال رسول اللّه (صلی اللّه علیه و آله) لعلی (علیه السلام): یا علی! القرآن خلف فراشی فی الصحف و الحریر و القراطیس، فخذوه و اجمعوه و لا تضیّعوه .

و أوّل من قام بجمع القرآن بعد وفاة النبیّ (صلی اللّه علیه و آله) مباشرة، و بوصیّة منه (صلی اللّه علیه و آله) هو الامام علی بن أبی طالب (صلوات اللّه علیه) ثم قام بجمعه زید بن ثابت بأمر من أبی بکر. کما قام بجمعه کلّ من ابن مسعود و ابی بن کعب و أبی موسی الأشعری و غیرهم، حتی انتهی الأمر الی دور عثمان، فقام بتوحید المصاحف و إرسال نسخ موحّدة الی أطراف البلاد، و حمل الناس علی قراءتها و ترک ما سواها. علی ما سنذکر».[[1]](#footnote-1)

ایشان می گویند: وجه اینکه سوره های قرآن در زمان پیامبر (ص) در یک جا جمع نشده بود این بود که هنوز دوران نبوت ایشان تمام نشده بود. سیوطی در این باره می گوید: همه قرآن در زمان پیامبر (ص) نوشته شده بود اما یکجا جمع نشده بود و ترتیب سوره های آن مشخص نشده بود. علامه طباطبایی در این باره می فرماید: «ان القرآن لم یکن مؤلفا فی زمن النبی- ص- و لم یکن منه إلا سور او آیات متفرقة فی ایدی الناس»:[[2]](#footnote-2) قرآن در زمان پیامبر (ص) تالیف نشده بود و آیات و سوره ها به صورت متفرق در میان مردم بود. امام صادق (ع) فرمود: پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: قرآن در نزد من و در چیزهای نوشته شده است. اینها را بگیر و جمع کن تا چیزی از آن از دست نرود. این معروف میان کسانی که ناقل هستند و هم باحثین از شئون قرآن از صدر اول صحابه تا زمان ما، و می توان گفت که ارباب سیره نویسان و تاریخ دانان در این باره اجماع دارند.

آیت الله معرفت در ادامه می فرماید: « ما قدّمناه هو المعروف عن رواة الآثار، و عند الباحثین عن شئون القرآن، منذ الصدر الأوّل فإلی یومنا هذا، و یوشک أنّ یتّفق علیه کلمة أرباب السیر و التواریخ و لکن مع ذلک نجد من ینکر ذاک التفصیل فی جمع القرآن، و یری أنّ القرآن بنظمه القائم و ترتیبه الحاضر کان قد حصل فی حیاة الرسول (صلی اللّه علیه و آله).

و قد ذهب الی هذا الرأی جماعة من علماء السلف کالقاضی و ابن الأنباری و الکرمانی و الطیبی [1]، و وافقهم علم الهدی السید المرتضی (قدس سره)».

در نقطه مقابل عده ای از مذاهب مختلف معتقد هستند که قرآن کریم به همان وجهی که امروز هست در آن زمان جمع شده است. آیت الله معرفت می گوید سیوطی می گوید: عده از علمای سلف به این نظریه قائل شدند مانند قاضی ابوبکر باقلانی و ابن انباری و کرمانی و طیبی.[[3]](#footnote-3) از علمای ما سید مرتضی با این دیدگاه موافق هستند. ایشان در این باره می فرماید:

« کان القرآن علی عهده (صلی اللّه علیه و آله و سلم) مجموعا مؤلفا علی ما هو علیه الآن. و استدلّ علی ذلک بأنّ القرآن کان یدرس و یحفظ جمیعه فی ذلک الزمان حتی عیّن جماعة من الصحابة فی حفظهم له، و أنّه کان یعرض علی النبیّ (صلی اللّه علیه و آله) و یتلی علیه»».[[4]](#footnote-4)

مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان[[5]](#footnote-5) و آیت الله خویی نیز همین دیدگاه را پذیرفته اند.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. تمهید فی علوم القرآن، آیت الله معرفت، ج1، ص 281- 282 [↑](#footnote-ref-1)
2. المیزان، علامه طباطبایی، ج3، ص 78- 79 [↑](#footnote-ref-2)
3. الاتقان، سیوطی، ج1، ص 62 [↑](#footnote-ref-3)
4. تمهید فی علوم القرآن، ج1، ص 284 [↑](#footnote-ref-4)
5. مجمع البیان، طبرسی، ج1، ص 15 [↑](#footnote-ref-5)